

مؤلفه‌های اخلاق علمی و شاگردپروری در سیره علمی - آموزشی امام خمینی(ره)

دکتر زاهد غفاری هاشجین*
دکتر عباس کشاورز شکری**
دکتر محمد حسن میرزا محمدی***
نرگس آمرورامینی****

چکیده

مقاله حاضر به بررسی مؤلفه‌های اخلاق علمی و شاگردپروری در سیره علمی - آموزشی امام خمینی(ره) می‌پردازد. روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل اسنادی بوده و در این باره منابع و مراجع موجود و مرتبط با موضوع مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها که حاصل بررسی سه سؤال پژوهشی است، نشان می‌دهد امام خمینی(ره) به تربیت صحیح انسان و کسب عادات و رفتارهای درست و درونی ساختن آنها توجه خاص داشته است و مسئله اساسی در زمینه تعلیم و تربیت را روح و قلب آدمی می‌داند و معتقد است که اگر قلب آدمی الهی شود، همه کردار، رفتار و نیات او نیز الهی خواهد شد. در این راستا سیره علمی - آموزشی امام می‌تواند الگوی خوبی برای تعلیم و تعلم باشد. در ادامه مقاله تلاش شده است به مؤلفه‌های اخلاق علمی امام مانند نظم و تواضع، احاطه و تسلط علمی، خلاقیت و نوآوری علمی و روحیه انتقادپذیری اشاره شود. در بخش پایانی نیز مؤلفه‌های شاگردپروری در سه محور تربیت اخلاقی، تربیت سیاسی و تربیت علمی از نگاه امام مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی(ره)، تعلیم و تربیت، شاگردپروری، اخلاق علمی، نظم، تواضع و تسلط علمی

* عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول و تأییدکننده نهایی مقاله) Email: ghafari@shahed.ac.ir
** عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد Email: abbaskeshavarz1@yahoo.com
*** عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد Email: mir.educated@gmail.com
**** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی شاهد Email: varamini22@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۵ تاریخ تایید: ۱۳۹۱/۲/۲

مقدمه

یکی از زمینه‌های مطالعاتی وسیع و عمیق در حوزه تعلیم و تربیت، پرداختن به اندیشه‌های انسان‌هایی است که از آنان به عنوان «مربیان بزرگ» یاد می‌شود. در ادبیات این حوزه، مطالعات وسیعی انجام شده است (شاتو، ۱۳۸۶؛ اولیخ، ۱۳۸۷). در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی داخل کشور نیز پرداختن به اندیشه مربیان بزرگ رواج داشته و در این میان باید بررسی اندیشه‌های مربیان بومی نسبت به سایرین مقدم باشد (میرزامحمدی، ۱۳۸۶). بر این اساس، یکی از زمینه‌های مطالعاتی مهمی که کمتر در قالب فعالیت‌های علمی و دانشگاهی به آن پرداخته شده است (اردبیلی، ۱۳۸۱؛ وجدانی، ۱۳۷۴)، سیره و اندیشه‌های مربیان تربیتی بزرگ معاصر ایران و شخصیت‌های بزرگی نظیر امام خمینی (ره) است. البته امام خمینی (ره) دارای شخصیت و ویژگی‌های جامع و فراتر از یک فیلسوف و مربی تربیتی است و به حق می‌توان ایشان را علاوه بر اسوه و الگوی تربیتی، به عنوان یک مصلح بزرگ اجتماعی دانست.

سیره و اندیشه‌های تربیتی امام خمینی (ره) را باید یک منظومه تربیتی دانست که شامل مؤلفه‌های فراوانی مانند جایگاه تربیت در زندگی فردی و اجتماعی، مبانی و اصول تربیت، اهداف تربیت، محتوای تربیت و ... است. با توجه به ویژگی‌های خاص روش تربیتی امام و تأکیدات نظری و عملی ویژه‌ای که ایشان در اخلاق علمی و موضوع شاگردپروری دارند، پژوهش حاضر به طور عمده به این بخش از اندیشه‌های امام معطوف شده است.

امام خمینی (ره) تحصیلات مقدماتی خود را در خمین انجام دادند و در سن نوزده سالگی راهی حوزه علمیه اراک شدند و همزمان با فراگیری فقه و اصول نزد فقها و مجتهدین وقت به فراگیری ریاضیات و هیئت و فلسفه نزد مرحوم رفیعی قزوینی پرداختند. (خمینی، ۱۳۷۵، ص ۵۸) ایشان عالیترین سطوح عرفان نظری و عملی را به مدت شش سال نزد مرحوم شاه‌آبادی کسب فیض کردند. امام در سال ۱۳۴۷ ه. ق (۱۳۰۸ ش) در سن ۲۷ سالگی، تدریس فلسفه را آغاز کردند. پیش از آن مدتی به تدریس «سطوح» اشتغال داشت و دروسی در زمینه فقه و اصول تدریس می‌کردند. امام در سال ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید شد و در آنجا به نگارش کتاب «تحریرالوسیله» پرداختند. امام در این کتاب افزون بر ابواب متداول و رایج فقهی، به احکامی چون جهاد،

دفاع، امر به معروف و نهی از منکر نیز پرداختند (قلی‌زاده علیار، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). امام بعد از انتقال به عراق در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۴۴ و پس از گذشت مدتی کوتاه، تدریس خود را آغاز کردند. نگارش کتاب‌های «جهاداکبر» و «حکومت اسلامی» یا «ولایت فقیه» از جمله فعالیت‌های مهم علمی امام در دوران اقامت در نجف است. امام در طول دوران زندگی علمی خود آثار زیادی را در حوزه‌های مختلف به رشته تحریر در آورده‌اند.

امام خمینی(ره) در زمینه اخلاقی و تربیت نفس در درجه بالایی قرار داشتند. جلوه‌های این صفات نفسانی و اخلاقی امام در سیره علمی و آموزشی ایشان به‌ویژه در زمینه اخلاق علمی و شاگرد پروری نیز به وضوح آشکار است. با توجه به اهمیت موضوع و خلاء پژوهشی موجود، در این مقاله ابتدا به شرح مبانی تعلیم و تربیت در اسلام با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود و سپس مؤلفه‌های اخلاق علمی و شاگردپروری در سیره علمی - آموزشی امام خمینی(ره) بررسی می‌شود. در این باره، سه سؤال پژوهشی زیر مطرح و بررسی شده است:

۱. کلیات مبانی تعلیم و تربیت در اسلام با تاکید بر نگاه امام خمینی (ره)

چيست؟

۲. مؤلفه‌های اخلاق علمی در سیره علمی - آموزشی امام خمینی (ره) چیست؟

۳. مؤلفه‌های اخلاق شاگرد پروری در سیره علمی - آموزشی امام خمینی (ره)

چيست؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش مطالعات اسنادی استفاده شده است. برای پاسخ به سئوالات پژوهش، همه اسناد، شامل آثار مکتوب امام خمینی (ره) اعم از کتاب‌ها، مقالات و خاطرات مربوط به موضوع تحقیق، انتخاب و بررسی شده‌اند. جامعه پژوهش نیز شامل همه منابع موجود و مرتبط با سیره علمی - آموزشی ایشان است. این جامعه آماری شامل کتاب‌ها و مقالاتی در خصوص اندیشه امام در زمینه تعلیم و تربیت، روش تدریس و موضوع شاگردپروری امام است که در این باره خاطرات منتشر شده از سوی دوستان و شاگردان و اطرافیان و یاران ایشان مورد بررسی قرار گرفته

است. با توجه به اینکه اساس گردآوری داده‌های مربوط به موضوع مورد مطالعه بیشتر مبتنی بر اطلاعات و روایت دیگران است، در موارد لازم به طور مستقیم به آثار علمی امام نیز مراجعه شده است. در این تحقیق همه منابع و مراجع قابل دسترس مرتبط با موضوع، فیش برداری شده و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، در این پژوهش نمونه‌گیری انجام نشده و داده‌های به دست آمده نیز با استفاده از تکنیک‌های تحلیل کیفی؛ گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

۱. کلیات مبانی تعلیم و تربیت در اسلام با تأکید بر نگاه امام خمینی (ره)

نخستین سؤال پژوهش عبارت است از اینکه «کلیات مبانی تعلیم و تربیت در اسلام با تأکید بر نگاه امام خمینی (ره) چیست؟» در پاسخ به پرسش مذکور ابتدا به کلیاتی از مبانی تعلیم و تربیت در اسلام و سپس دیدگاه امام خمینی (ره) در این باره اشاره می‌شود.

الف) مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام

غالباً فلسفه تربیت در دو معنی به کار می‌رود. یکی در معنای عمیق و گسترده آن، که همان توجه به پرسش‌های بنیادین درباره انسان، سرنوشت او و تکامل وی است. دومین معنای فلسفه تربیت یا همان فلسفه آموزش و پرورش، بیشتر شامل جنبه‌ای از تربیت می‌شود که در معنای محدود و رسمی آن قرار دارد. در این معنا تعلیم و تربیت به صورت برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته است و هدفش آماده سازی کودکان برای بهتر زندگی کردن است. معمولاً در این مرحله از تربیت پرسش‌های اساسی فلسفه تربیتی یعنی برنامه، هدف، روش و اصول آن مطرح می‌شود (نقیب زاده، ۱۳۷۴، ص ۲۰).

متفکران اسلامی در خصوص تعلیم و تربیت دارای نظرات متنوعی هستند. از جمله زین‌الدین بن نورالدین معروف به «شهید ثانی» که در خصوص آداب تعلیم و تعلم در اسلام نظرات خاصی دارد. ایشان درباره شخص استاد، رعایت مسائل زیر را ضروری می‌داند: وقار و متانت، آراستگی ظاهر، عشق ورزیدن به کار خویش، حسن خلق و داشتن فضایل اخلاقی از قبیل اخلاص، شجاعت، همت، ایثار و فداکاری. همچنین درباره رابطه با شاگردان نیز معتقد است، مسائل زیر باید رعایت شود: علاقه‌مندی در تربیت و بالندگی شاگردان، ترغیب در علم و دانش، محبت و عواطف، احتراز از

عصیت، مدیریت در کلاس. در این راستا توجه به ابعاد ذیل لازم است: استقلال فکری، اتکای به نفس، قضاوت درست، ابتکار و خلاقیت، جامعیت فکری، پیش‌بینی احتمالات، داشتن نظم، منصف بودن، قاطعیت، رعایت اصول اخلاقی. ایشان در خصوص امر تدریس نیز معتقد است که مسائلی باید مورد توجه قرار گیرد، مانند تخصص لازم، حضور دائم و منظم، تنظیم و کلاسه کردن مطالب درسی، ابتکار در عمل، تدریس در حال اعتدال، رعایت تدریج در تدریس (حجتی، ۱۳۶۹، ص ۲۵).

ایشان در خصوص آداب و وظایف مشترک معلم و شاگرد به این موارد معتقد است: ۱. اخلاص و پاکسازی نیت؛ ۲. عمل به علم یا لزوم هماهنگی رفتار معلم و شاگرد با علم و آگاهی؛ ۳. توجه و توکل به خدا و برخورداری از جهت‌یابی صحیح؛ ۴. داشتن حسن خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس؛ ۵. برخورداری از عفت نفس و علو همت؛ ۶. قیام به وظایف و شعائر دینی و تأدب به موازین اخلاقی (همان، ص ۱۲۰-۲۰۷).

عموماً در بحث فلسفه تربیتی به هدف‌های عمومی یا کلی پرداخته می‌شود. هدف‌های تربیتی هر کشور از مقتضیات زمانی و مکانی آن کشور متأثر می‌شود. بنابراین، تعیین هدف‌های تربیتی در شرایط حاضر، مستلزم شناخت علمی نیازهایی است که مردم پیدا کرده‌اند. مثل برنامه ریزی‌ها و هدف‌های درسی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران.

(ب) مبانی نظری تعلیم و تربیت از نگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) به عنوان مصداق بارز «العلماء ورثة الانبياء» تحول عمیقی در جامعه انسانی و عصر جدید ایجاد کرد. ایشان در حوزه تربیتی و در ادامه راه پیامبران و اولیای خدا، از جامعیت کم‌نظیری برخوردار بود. از ویژگی‌های برجسته اخلاقی و تربیتی امام، جامعیت ایشان در هماهنگی میان دو حوزه علم و عمل بود. در این خصوص مطالبی از نظرات و آراء امام خمینی(ره) در حوزه تربیت اشاره می‌شود. ایشان در خصوص ضرورت و نیاز تربیت انسان معتقد بود که: «همه جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تربیت دارند، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاج ندارم به اینکه تعلیم و تربیت بشوم. رسول خدا تا آخر هم احتیاج داشت، منتهی احتیاج او را خدا رفع می‌کرد ما همه احتیاج داریم» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۷، ص ۱۵۲).

تربیت از مفاهیمی است که در خصوص معنا و مفهوم آن توافق کمتری وجود دارد. در رویکرد تربیتی اسلام بیشترین تعاریف، ناظر بر مفهوم شکوفایی استعدادها و بالفعل نمودن آنهاست. در این رویکرد، انسان موجودی است دارای قابلیت‌ها و توانایی‌های درونی و نهفته که باید در جریان تربیت آشکار شود. در حقیقت اهداف آموزش و پرورش یا تربیت در اسلام عبارتند از: ۱. پیدایش آمادگی و مهارت‌های مطلوب برای بهره‌مندی از یک زندگی سالم انسانی اعم از آمادگی بدنی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی در همهٔ مسلمانان؛ ۲. ایمان به اصول دین و عمل به دستورات دینی به منظور تأمین سعادت دنیا و آخرت.

امام همواره مسئله اساسی در زمینه تعلیم و تربیت را مسئلهٔ روح و قلب آدمی می‌داند و معتقد است که اگر قلب آدمی الهی شود، همه کردار، رفتار و نیت او نیز الهی خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۱۶۷) ایشان معتقد بود که با تربیت انسان عالم اصلاح می‌شود و آنقدر که انسان غیر تربیت شده برای جوامع مضر است، هیچ حیوانی و هیچ موجودی آنقدر مضر نیست و آنقدر که انسان تربیت شده برای جوامع مفید است، هیچ ملائکه و هیچ موجودی آنقدر مفید نیست (همان، ج ۱۴، ص ۱۰۳).

ایشان در این خصوص تربیت را در مورد قشر جوان و کودکان و نوجوانان مهم می‌دانستند تا این حد که معتقد بودند اگر در گذشته دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشت، هرگز کشور ما در دست بیگانگان قرار نمی‌گرفت و هرگز قراردادهای ننگین بر کشور ما تحمیل نمی‌شد (همان، ۱۳۸۳، ص ۵۹). امام خمینی (ره) معتقد بود که انسان دارای بالاترین ظرفیت‌هاست و این معلم است که می‌تواند او را به سوی نور و یا ظلمت ببرد. ایشان معتقد است که معلمی نقش بسیار حساس و مهمی است و مسئولیت بسیار زیادی دارد (همان، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳).

مقصود از مبانی، انسان با ویژگی‌های اوست که به عنوان موضوع تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد و اینکه دارای چه ویژگی‌هایی است که قابلیت تعلیم و تربیت را دارد. در واقع، جمیع صفات خوب و بد در انسان وجود دارد که به واسطه تربیت درست و یا غلط هر کدام از این خصوصیات بالقوه، شکوفا می‌شود و آثار و تبعاتی برای انسان به وجود می‌آورد. انسان به دلیل داشتن قدرت تفکر و شناخت و تعقل،

توان شناخت حقایق را دارد. اگر چه در آغاز خلقت فاقد هر گونه شناخت و آگاهی است ولی هم استعداد شناخت را دارد و هم خداوند ابزار شناخت را به انسان عنایت فرموده است تا به ابعاد هستی آگاهی پیدا کند. اما انسان در شناخت ناتوان و محدود است. به این خاطر خداوند انبیاء را برای تعلیم آنچه که انسان نمی‌تواند آنها را ادراک کند، مبعوث کرد تا به انسان کتاب و حکمت را تعلیم کنند. در این راستا البته انسان هیچ مطلبی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و برای آشنایی بیشتر با حقایق باید با استدلال آنها را بپذیرد؛ زیرا که از نظر امام بدون اقامه استدلال، پذیرفتن حقایق از فطرت انسانی خارج است (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۲۸۸). این مطلب نشانگر این مسئله است که انسان از تربیت خود به تنهایی عاجز است و احتیاج به تعلیم و تربیت از جانب کسی یا کسانی - که همان انبیاء هستند - دارد.

از دیدگاه امام، تعلیم و تربیت دارای پنج اصل است: ۱. اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران؛ ۲. اصل تقدم تزکیه بر تعلیم؛ ۳. اصل امید در تعلیم و تربیت؛ ۴. اصل تدریجی بودن و مستمر بودن تعلیم و تربیت؛ ۵. اصل جهت‌دار بودن تعلیم و تربیت. ایشان همواره معتقد بود که انسان در ابتدا باید به اصلاح خود بپردازد و تهذیب و تزکیه معلم را دارای اولویت می‌دانست و همواره معلمان را به ایجاد روحیه امید در شاگردان و پیگیری و استمرار امر تعلیم توسط آنان سفارش می‌کرد.

امام هدف اصلی در تربیت انسان را الهی شدن انسان می‌داند. از نظر ایشان، تربیت انسان باید به گونه‌ای باشد که هم به بعد فردی و هم اجتماعی وی توجه شود. ایشان عوامل بسیاری را در این زمینه دخیل می‌داند که این عوامل در حقیقت سرتاسر زندگی انسان را شامل می‌شود و اثرات هر کدام از آنها در جای خود تأثیر شگرفی بر زندگی انسان دارد. این عوامل از محیط تکوینی و مرحله قبل از تولد شروع و پس از آن مرحله محیط خانوادگی، محیط آموزشی، محیط اجتماعی و در نهایت تأثیر قرآن را بر انسان در بر می‌گیرد. از دیدگاه امام، تأثیر هر کدام از این عوامل بر تربیت انسان بسیار ارزشمند و قابل توجه است؛ زیرا که آثار و تبعات هر کدام از آنها در آینده نه تنها شامل خود انسان، بلکه شامل یک جامعه می‌شود.

۲. مؤلفه‌های اخلاق علمی در سیره علمی - آموزشی امام خمینی (ره)

دومین سؤال پژوهش عبارت بود از این که «مؤلفه‌های اخلاق علمی در سیره علمی - آموزشی امام خمینی (ره) چیست؟» در پاسخ به این سؤال باید گفت که امام خمینی (ره) در طول دوران زندگی علمی خود همواره از تحمّل و تسلط علمی بالایی برخوردار بود و به بهترین وجه مطالب و موضوعات علمی را برای شاگردان خود بازگو می‌کرد. ایشان اعتقاد داشت که هر کس باید در مباحث علمی دارای عقیده و نظر خاصی باشد و به همین خاطر ایشان در بسیاری از علوم دارای خلاقیت و نوآوری است. وقار، متانت و ادب بسیار زیاد امام نسبت به دوستان، آشنایان و به‌ویژه اساتیدشان زبانزد خاص و عام بود. ایشان به مقوله نظم اهمیت ویژه‌ای می‌داد و عمل به آن برای شاگردانش از اولویت‌های آموزشی به شمار می‌آمد.

الف) نظم علمی امام خمینی (ره)

نظم عمومی حاکم بر زندگی علمی و فرهنگی امام در موارد ذیل معمول و قابل مشاهده بود: الف) انضباط در مورد تعیین و شناسایی و انتخاب اساتید و معلمان؛ ب) انضباط در انتخاب اوقات فراگیری علم و ساعات مطالعه و مباحثه؛ ج) انضباط در انتخاب هم دوره‌ها برای مباحثه، مبادله دروس و نظریات؛ د) نظم و هماهنگی در تعیین حدود و ظرفیت طبیعی فکری و جسمی (گلی زواره، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴). وضوح بیشتر این صفت بارز را می‌توان در زمان استادی امام مشاهده کرد. امام همیشه در دوران تدریس خود به موقع در کلاس حاضر بود و گاهی مواقع زودتر از شاگردان به کلاس می‌رسید. ایشان همیشه سر فصل مطالب را آماده می‌کرد و با یک نظم منطقی آن را ارائه می‌داد. شاگردان امام در این خصوص اذعان دارند که در مدت شاگردی امام، جز انضباط و جدی بودن و اهمیت وافر به وقت، از ایشان چیز دیگری ندیدند. (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

امام خمینی (ره) عادت داشت که سر ساعت به کلاس برسد و همیشه از شاگردان خود نیز می‌خواست که این گونه باشند. وقتی شاگردی دیر به کلاس می‌رسید، امام اظهار ناراحتی می‌کرد و به وی تذکر می‌داد (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴). درس امام به غیر از ایام عید و مراسم سوگواری و جمعه‌ها همیشه و به شکل منظم برقرار بوده است (ستوده و برادری، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

امام در همه امور از جمله تدریس منظم بودند. ایشان در تدریس، مطالب را خیلی عالی و مرتب تنظیم می‌کردند و به بهترین وجه ارائه می‌دادند. همین تنظیم مطالب، کمک بسیار مؤثری در بهتر و زودتر فهمیدن مطالب درسی برای شاگردان بود. امام خمینی(ره) رعایت نظم را به شاگردان خود نیز گوشزد می‌کرد و آنان را به رعایت این اصل مهم در زندگی، خصوصاً در زندگی علمی فرا می‌خواند. ایشان خطاب به شاگردانش می‌فرمود: «به کسی نگفته و نمی‌گویم که به درس من بیاید ولی اگر می‌آید باید منظم باشد. شما اگر وقت شناس باشید با احتساب فاصله منزل تا اینجا طوری حرکت کنید که به موقع به کلاس برسید» (وجدانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۶-۲۷)

ب) تواضع علمی امام خمینی(ره)

صفت پسندیده دیگر امام تواضع علمی ایشان بود. تواضع یکی از موضوعات علم اخلاق است که بیشتر خصلت‌های پسندیده از این سرمایه بزرگ سرچشمه می‌گیرند. ایشان ضمن اینکه دارای ابهت خاصی بود، در نهایت فروتنی و تواضع با دیگران برخورد می‌کرد و موقعیت‌های علمی و اقتدار سیاسی و فکری نتوانست از این تواضع بکاهد. ایشان نسبت به اساتید خود بسیار با احترام و مؤدب بود و در ذکر نام آنان بسیار دقیق و حساس بود. مثلاً همیشه معتقد بود که نام آیت الله حائری باید به صورت «آیت الله العظمی» به کار برده شود. این امر از نوشته‌ها و گفته‌های ایشان مشخص است (امامی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴).

ایشان هیچ‌گاه در مقابل استاد صحبت اضافه‌ای انجام نمی‌داد. در بیشتر مواقع در برابر استاد خود ساکت می‌نشست و تا استادش از او سؤالی نمی‌کرد، صحبتی نمی‌کرد ولی وقتی هم که لب به سخن می‌گشود جواب‌هایی درست و قانع‌کننده می‌داد (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۴). مقام و منصب در نظر امام هیچ بود و برای به دست آوردن آن تلاشی نمی‌کرد. حتی در مواقعی که موقعیت برای به دست آوردن اعتبار بیشتر در مقام مرجعیت فراهم بود، ایشان هیچ‌گونه عکس‌العملی با وجود اصرار فراوان اطرافیان از خود نشان نداد. این احترام و توجه را امام نه فقط در زمان تحصیل بلکه تا بعد از اشتغال به تحصیل و اتمام درس استاد مربوطه نیز داشت. ایشان بعد از وفات چند نفر از اساتیدش در هر فرصتی که به دست می‌آورد بر سر مزار آنها می‌رفت و به خواندن قرآن و فاتحه می‌پرداخت (همان، ج ۳، ص ۳۰۱).

امام این خصیصه ارزشمند را در برخورد با دوستان، آشنایان و هم‌کلاسی‌های خود نیز رعایت می‌کرد و همگان ایشان را به عنوان فردی که همیشه رفتاری خاضعانه دارد، می‌شناختند. ایشان برای افراد مسن و به‌ویژه علما و کسانی که با ایشان سابقه هم‌نشینی داشتند، احترام خاصی قائل بود. حتی اگر برخی از آنان با مسائل سیاسی نهضت و خود امام از این جنبه میانه خوبی نداشتند. امام حتی نسبت به شاگردان خود نیز این گونه بود و برای ایشان مقام و موقعیت اجتماعی فرد اهمیت نداشت. طبق گفته بعضی از شاگردان ایشان خیلی سخت می‌شد در سلام کردن بر ایشان پیشی گرفت. ایشان در مقابل شاگردان خود بسیار با متانت و با وقار بود و با کسی شوخی زیاد نمی‌کرد و یا سخن بی‌ربطی نمی‌گفت. امام با کمال صبر و حوصله با شاگردان خود برخورد می‌کرد و در ضمن آنکه به بزرگان و اشخاص دیگر احترام می‌گذاشت، نظرهای علمی خود را نیز بیان می‌کرد (ستوده و برادری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵).

ج) احاطه و تسلط علمی امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) دارای قدرت و تسلط آموزشی بالایی در امر تدریس بود. به نظر شاگردان ایشان امام، آفقه و اعلم بود. یعنی دارای مقام بالایی در علم و بحث و جوابگویی به سؤالات بود. ایشان دقت نظر بالایی در تقریر حرف بزرگان و ارائه دلیل‌های قانع‌کننده داشت (وجدانی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۷). ایشان این توانایی را داشت که مطالب علمی را کاملاً دقیق بشکافد و در مورد آن بحث کند و اشکالات آن را برطرف کند، به گونه‌ای که در آن زمان هرکسی توانایی و جرأت این کار را نداشت (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

امام خمینی(ره) فردی باریک‌بین بود و در مقایسه با دیگران از تفکر عمیقی برخوردار بود. ایشان آن قدر از هوش و ذکاوت برخوردار بود که از آنچه در ضمیر انسان می‌گذشت، آگاه بود و تا گوینده لب باز می‌کرد، ایشان تا آخر مطلب را متوجه می‌شد و جواب می‌داد. (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۳، ۲۸۳). یکی دیگر از ویژگی‌های آموزشی امام، مطالعه قبل از تدریس ایشان بود. ایشان همواره ساعات زیادی را صرف مطالعه و تحقیق و پژوهش می‌کرد و همیشه قبل از شروع درس کاملاً آن را مطالعه کرده بود و با دست پر سر کلاس حاضر می‌شد. ایشان در مورد شاگردانش هم همین عقیده را داشت و معتقد بود که آنها نیز باید پیش مطالعه داشته باشند. امام اگر بحثی را از قبل مطالعه

نمی‌کرد، سر کلاس بیان نمی‌کرد، هر چند که بدون مطالعه قبلی راجع به مبحثی هم قادر به جوابگویی بود. ولی زمانی که امام پیش مطالعه داشت، دقت علمی بالایی از ایشان مشاهده می‌شد (امامی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹). آیت الله خاتم یزدی در این باره چنین بیان می‌کند: «یکی از روش‌های جالب امام در تدریس این بود که قبل از درس دادن مدتی ملاقات‌های خود را کاملاً تعطیل می‌کردند و به هیچ کاری جز مطالعه مشغول نبودند و همچنین پس از تمام شدن بحث نیز برای مدتی ملاقات نداشتند، چون بلافاصله مطالبی را که فرموده بودند، می‌نوشتند» (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

از دیگر ویژگی‌های تسلط علمی امام می‌توان به خوش‌بیانی و شیوایی کلام امام اشاره کرد. امام همواره در تدریس مباحث بیان ساده و روانی داشت و اصولاً کسی نمی‌توانست بگوید من در درس امام حضور داشتم و چیزی نفهمیدم. بیان بسیار روشن، شیوا و فصیح، گفتار بدون اغراق و ابهام با استقامت رأی و واقع‌بینی، عدم استفاده از الفاظ پیچیده علمی، تسلط علمی فلسفی، فقهی و اصولی بالا، از امتیازات درس امام به شمار می‌رفت.

افزون بر این امام دارای قدرت تفهیم درس نیز بود. ایشان به گونه‌ای تدریس می‌کرد که شاگردان توانایی تجزیه و تحلیل پیدا می‌کردند. امام ابتدا برای نقد و بررسی یک دیدگاه، قوی‌ترین دیدگاه‌ها را از بین فقها و صاحب‌نظران انتخاب می‌کرد و یک یا چند جلسه را به بیان و تشریح و نقد آن دیدگاه و نظریه می‌پرداخت. با این فرایند طرح یک نظریه و سپس انتقاد آن، فضای ذهنی شاگردان را درگیر می‌ساخت و اذهان و اندیشه‌ها را شکوفا می‌کرد و در این راه شاگردان زرنگ‌تر را به بحث می‌کشید. (رحیمیان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۲). امام مسائل را قاطعانه مطرح می‌کرد و پس از طرح نظرات دیگران، نظر خودش را نیز بر آن می‌افزود و پس از آن به دنبال استدلال می‌گشت. ایشان هیچ وقت عادت نداشت که مسائل را مردود مطرح کند (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۰۵). امام وقتی وارد مسائل علمی و تحقیقی می‌شد، تمام ابعاد قضایا را با دقت کافی و وافعی بررسی می‌کرد، به طوری که وقتی کسی بیان علمی ایشان را می‌شنید، این احساس را داشت که نیازی به مراجعه به کتاب یا گفتار دیگران ندارد (وجدانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۳).

امام دارای دقت نظر علمی بالایی نیز بود. ایشان در سخنانی که می‌شنید، به دقت

تأمل می‌کرد و سپس به نقد و بررسی آن اقدام می‌کرد و هیچگاه قبل از اینکه مطلبی را خوب دریابد، درباره آن بحث نمی‌کرد. آیت الله امامی کاشانی این زمینه می‌نویسد: «ایشان در تدریس مباحث دقت نظر خاصی داشتند. ایشان، حرف همه بزرگان را نقل و تقریر می‌کردند و یک یک را با دلایل متقن رد می‌کردند و قسمتی را که درست بود تکمیل می‌کردند. بطوری که شاگردانی که درس ایشان را خوب فرا می‌گرفتند، هر جا با هر شخصیت بزرگی رو به رو می‌شدند، آن شخصیت نمی‌توانست آنان را در بحث خود مغلوب کند. ایشان تمام اشکالات درسی را در نظر می‌گرفتند. این ویژگی مهمی در حوزه و عالم تدریس و تعلیم است» (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۳، ۲۵۵).

ویژگی دیگر امام، احاطه و تسلط علمی، شناخت دقیق شاگردان و نحوه برخورد با آنان در کلاس بود. ایشان به راحتی افرادی را که برای تحصیل به کلاس می‌آمدند از کسانی که به نیت و منظور دیگری می‌آمدند، تشخیص می‌داد و چنانچه حضور در کلاس با انگیزه فهم مطالب بود، تا آخر با آن شاگرد همراهی می‌کرد. ولی در غیر این صورت با جملاتی آن فرد یا افراد را متوجه منظورشان می‌کرد. ایشان همواره به حضور روحی و جسمی شاگردان در کلاس توجه می‌کرد و کلاس را فقط مخصوص گفتن یک سری مطالب درسی نمی‌دانست (همان، ص ۳۲۰). ایشان به انتقادات وارده شاگردان ترتیب اثر و روز بعد طرح و قبول آن را به نظر همه می‌رساند (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۷).

د) خلاقیت و نوآوری علمی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به خاطر روحیه تحقیق و تفکر بالای خود، مطالب علمی تازه‌ای ارائه می‌کرد و به همین خاطر، نوآوری‌های علمی زیادی از خود به جای گذاشته است. یکی از شاگردان امام نقل می‌کند که امام در مبحثی از «رسائل» فرمود: «این مبحث را که اکنون برای شما تدریس می‌کنم نه خوانده‌ام و نه مباحثه کرده‌ام» (وجدانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۳). در واقع، امام اعتقاد داشت که محصل باید در علوم مختلف به تفکر پردازد و دارای نظرات جدید باشد. در این باره، یکی از علمای نجف اظهار می‌کند: «ما قبل از آمدن حضرت آیت الله خمینی (ره) به نجف اشرف باور نمی‌کردیم که در دنیای علوم اسلامی حرف تازه ای باشد که نشنیده باشیم ولی آنگاه که ایشان به نجف انتقال یافتند، دریافتیم که خیلی مطالب علمی و پرازش است که نشنیده‌ایم» (گلی زواره، ۱۳۷۹، ص ۱۶۶).

امام در اغلب علوم متعارف حوزه اعم از فقه و فلسفه و اصول و در بیشتر مباحث این علوم دیدگاه و مبنای خاص و منحصر به فردی ارائه می‌کرد. ایشان در مبحث فقهی «بیع فضولی»، بحثی جدیدی را مطرح می‌کند که در کلام هیچ یک از علمای دیگر مانند مرحوم نائینی و مرحوم اصفهانی و مرحوم خوبی نشانی از این مبحث نیست. اگر چه امام در نجف به دلیل مشغله زیاد به جز درس فقه، در حوزه های علمی دیگر بحثی را شروع نکرد، منتهی به علل دیگر از جمله مخالفت شدید بزرگان و علمای حوزه نجف با فلسفه و مباحث عقلی، اصلاً رغبتی برای تدریس فلسفه و عرفان از خود نشان نداد (خاتم یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۷)

کتاب «مناهج الوصول الی علم الاصول» اثری تازه از امام خمینی(ره) در علم اصول است که در میان آثار قلمی و تحریری ایشان جایگاه ویژه ای دارد. در مقدمه این کتاب آیت الله لنکرانی اشاره به جایگاه ویژه «خطابات قانونیه» در این اثر کرده است. خطابات قانونیه از ابتکارات امام است که بوسیله آن بسیاری از احکام و مسائلی که برای بسیاری از طلبه ها جای سؤال بوده، جواب داده شده است. امام این مسائل را با شیوه ای جدید حل می‌کند (مجله حضور، ۱۳۷۳، ص ۲۸۴).

امام با برخورداری از تفکر خاص فلسفی، در زمینه فلسفه گرایش زیادی به آراء ملاصدرا داشت و احترام زیادی برای او قائل بود. ولی این امر باعث نشده که ایشان در این باره صرفاً حالت تقلیدی داشته باشد، بلکه ایشان در پاره ای موارد نیز اشکالاتی به برخی مباحث ملاصدرا وارد می‌کند. از دیدگاه «بونو» محقق و اندیشمند فرانسوی، امام فقط یک استاد و معلم ماهر نبوده و نوآوری های زیادی در حواشی و مباحث اساسی فلسفه داشته است. این نوآوری ها هم در بعضی مواضع فرعی و هم در بعضی مواضع اصلی است (مروی، ۱۳۷۴، ۶۸-۷۸). امام خمینی(ره) در تدریس فلسفه، بعد از استدلال دقیق علمی و نقد و بررسی اقوال فلاسفه بزرگ، دامنه بحث را تا عرفان گسترش می‌داد و جنبه عملی آن را مطرح می‌کرد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۶۱-۶۴).

امام در کتاب «شرح چهل حدیث» با وجود اینکه خود را مقید به نقل و شرح احادیث معصومین(ع) نموده است، در همه موارد بعد از تحلیل دقیق عقلی و علمی وارد نصایح اخلاقی می‌شود تا ذهن و قلب مخاطبان را قانع سازد. در واقع، این کتاب ایشان تلفیقی از مباحث نظری و عملی است.

امام خمینی (ره) افزون بر نوآوری که در زمینه تشکیل حکومت دینی داشت، در دیگر حوزه‌های سیاسی بخصوص سیاست خارجی نیز دارای نظرات جدیدی بود. ایشان در زمینه صدور انقلاب و بازگویی پیام‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی به سایر نقاط جهان معتقد است که باید این اهداف و اندیشه‌ها به بهترین نحو و درست‌ترین صورت برای جهانیان مطرح شود تا همگان آشکارا با این انقلاب و اهداف آن آشنا شوند. ایشان همچنین در زمینه تعریف خاصی از منافع ملی، رابطه انقلاب اسلامی با ملت‌ها و دولت‌ها و تفکیک دشمنان نظام و تعیین اولویت‌ها در سیاست خارجی، دارای تفکرات سیاسی نوینی است.

۳. مؤلفه‌های اخلاق علمی در سیره علمی - آموزشی امام خمینی (ره)

سومین سؤال پژوهش عبارت است از این که «مؤلفه‌های اخلاق شاگرد پروری در سیره علمی - آموزشی امام خمینی (ره) چیست؟» تلاش شده است در مطالب زیر به این سؤال پاسخ داده شود. امام خمینی (ره) علاوه بر اهتمام به آموزش، به جنبه‌های مختلف تربیتی شاگردان خود نیز توجه داشت.

الف) امام خمینی (ره) و تربیت اخلاقی شاگردان

امام خمینی (ره) با رفتار خاص خود در برخورد با شاگردان به دنبال تربیت اخلاقی آنان به بهترین نحو بود. در واقع، تمام حرکات و برخوردهای امام برای شاگردان درس اخلاق بود. یکی از ابعاد تربیت اخلاقی امام را می‌توان در تأثیر درس اخلاق ایشان بر شاگردان دانست. امام همواره معتقد بود که علم اخلاق سرآغاز تمام علوم است و باید وقت و زمان خاصی به این علم اختصاص داد. به این دلیل درس اخلاق ایشان تأثیر بالایی بر شاگردان داشت و در آنان تحولات روحی زیادی ایجاد می‌کرد. (رجایی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶) به گونه‌ای که برخی شاگردان بزرگ ایشان، از آن دوران با افتخار و حلاوت یاد می‌کنند. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «اگر چه در آغاز مهاجرت به قم هنوز از مقدمات فارغ نشده بودم، اما درس اخلاقی که به وسیله شخصیت محبوبم در هر پنج‌شنبه و جمعه گفته می‌شد، در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، طوری که مرا سرمست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس آنچنان مرا به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم

را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم. بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس و سپس در درس‌های دیگری که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم انعقاد یافت. « (همان، ص ۱۷۵).

امام در کلاس‌های اخلاقی خود از مباحثی چون غیبت، غرور و تکبر صحبت می‌کرد و در مورد زشتی و قباحات آنها سخن می‌گفت (بصیرت منش، ۱۳۷۸، ص ۹۸). تأثیر سخنان ارزنده امام بر حاضران آنها را تا مدت‌ها از گناه دور نگاه می‌داشت و این امر از رفتار و حرکات آنان مشخص بود (رجایی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۷۳). ویژگی دیگر تربیت اخلاقی امام در مهربانی، خویش‌داری و حفظ شخصیت شاگردان بود. امام همواره با شاگردان خود با مهربانی و عطف برخورد می‌کرد. ایشان در برخوردهایی که گاهی در کلاس پیش می‌آمد، نهایت خویش‌داری و صبر را داشت و هیچگاه شاگردی را تحقیر نمی‌کرد. ایشان گاهی با شاگردان و یا طلاب جوان‌تر می‌نشست و با آنها مباحثه می‌کرد و گاهی ریاست جلسه را به یکی از شاگردان خود می‌داد (گلی زواره، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶).

عظوفت و مهربانی امام با شاگردان تا حدی بود که آنها او را همانند یک پدر دوست داشتند و به ایشان احترام می‌گذاشتند. امام طبع شوخی و مزاح هم داشت و گاهی در حین تدریس شوخی‌های شیرینی با شاگردان خود می‌کرد که این مسئله هم باعث تغییر فضای یکنواخت کلاس می‌شد و هم از خستگی درسی شاگردان می‌کاست. ایشان طوری مزاح می‌کرد که باعث ناراحتی کسی نمی‌شد و حرمت کلاس هم حفظ می‌شد (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۷۰). امام همیشه مراقب عزت نفس شاگردان خود بود و معمولاً با کسانی شوخی می‌کرد که ظرفیت تحمل را داشتند.

امام خمینی(ره) علاوه بر اهمیت به درس و تحصیل و مقید کردن شاگردان به مطالعه و بحث، به بعد رفاهی و اقتصادی شاگردان خود هم توجه زیادی داشت و از وضع آنان پرس‌وجو می‌کرد و در صورت نیاز، رسیدگی و توجه خاصی مبذول می‌کرد و تا حد امکان از کمک به طلبه‌ها دریغ نمی‌ورزید.

امام همچنین ضمن احترام به شاگردان خویش، مراقب وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان بود. در زمان بیماری و تنهایی بسیار به آنها توجه می‌کرد. امکان نداشت کسالت یا غیبتی از شاگردان پیش آید و امام از آن اطلاع پیدا نکند. امام معتقد بود که طلبه باید از

رفاه نسبی برخوردار بوده تا بهتر بتواند تحصیل کند. (همان، ص ۱۷۳) امام خمینی (ره) با شاگردان خود به یک شکل رفتار می‌کرد و بین ترک و کرد و عرب و عجم تفاوتی قائل نمی‌شد. از نظر امام همه آنها برای تحصیل علم آمده بودند. آیت الله امینی از شاگردان امام در این خصوص می‌گوید: «برخورد ایشان با تمام شاگردانشان یکسان بود و چنان نبود که نسبت به بعضی بیشتر از دیگران اظهار علاقه کنند و یا آنهایی که سابقه بیشتری در خدمتگزاری به امام داشتند، از موقعیت ممتازتری برخوردار باشند. این صفت به حدی بود که حتی شاگردانشان را به دیگر طلبه‌هایی که شاگردش نبودند، ترجیح نمی‌دادند. من از قدیم با ایشان مأنوس و از شاگردان باسابقه و حتی مروج ایشان بودم. من این صفت ایشان را از جمله محسناتشان می‌دانستم و از این رو نه تنها ناراحت نمی‌شدم، بلکه علاقه‌ام به ایشان بیشتر می‌شد» (همان، ص ۳۱).

در مجموع شاگردان امام، عشق فوق‌العاده‌ای به ایشان داشتند و امام هم متقابلاً شاگردان خود، به خصوص آن دسته را که فاضل‌تر بودند، دوست داشت.

ب) امام خمینی (ره) و تربیت علمی شاگردان

امام خمینی (ره) علاوه بر توجه به بعد تربیت اخلاقی شاگردان خویش، از توجه به تربیت علمی آنها غافل نبود و تمام تلاش خود را در جهت بیشتر و بهتر فهمیدن مطالب به شاگردان خویش انجام می‌داد. امام همواره سعی داشت که از خود شاگردان در حین آموزش بهره‌گیری و در حقیقت خواهان این بود که روحیه تقلید و تسلیم را در آنان از بین ببرد. ایشان به تفکر و نگرش انتقادی شاگردان اهمیت زیادی می‌داد و در این خصوص معتقد بود: «تفکر و ویژگی خاصی است که خداوند رحمان به انسان که اشرف مخلوقاتش می‌باشد عطا فرموده است. مربی شایسته می‌تواند اساس برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی خود را بهره‌مندی از این عطیه الهی قرار داده و زمینه‌اندیشیدن مرتبی خود را فراهم آورد» (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۶).

امام خمینی (ره) همواره در تدریس و تربیت علمی شاگردان خود، اهمیت زیادی به انتقاد و اشکال‌گیری مباحث میداد و معتقد بود که شنونده باید راجع به مطلب مورد نظر تفحص و تحقیق کند و خود نیز عقیده‌ای در این خصوص ارائه دهد. به تعبیری معتقد بود که «شاگرد همیشه باید اهل نق‌زدن باشد» (امامی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴). هدف امام تنها درس دادن یا جمع کردن عده‌ای افراد علاقه‌مند به درس به دور خود نبود بلکه

خواهان این بود که افراد در باره مباحث مطروحه به تفکر پردازند و به کتاب‌های درسی قناعت نکنند (گلی زواره، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴).

امام همواره خودش در مسیر تحقیق و مطالعه، شاگردان را همراهی و راهنمایی می‌کرد و نحوه ورود و خروجش به مبحث به گونه‌ای بود که شاگرد را به سوی کمالات علمی و رشد فکری در رشته مورد تدریس سوق می‌داد. امام هر دلیلی را با کمال دقت تبیین می‌کرد و به نقد و تحلیل آن می‌پرداخت. امام معتقد بود که مباحث مطروحه پس از پایان درس باید نوشته شود؛ زیرا هم با گذشت زمان از یاد نمی‌رود و هم شاگرد پس از پایان درس می‌تواند به مطالعه دقیق‌تر آن پردازد و نظر و رأی خود را بر آن اضافه کند. (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). نوشتن تقریرات درس امام توسط شاگردان این مزیت عمده را داشت که در سال‌های بعد، اینگونه تقریرات به صورت کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گرفت و سهم بسزایی در ماندگاری دست‌نوشته‌ها و حفظ آنها داشته است. آیت‌الله لنکرانی به عنوان یکی از شاگردان امام در این رابطه می‌گوید: «امام یک دوره کامل بحث اصول از بحث مباحث الفاظ تا آخر مباحث عقلی و اجتهاد را طی هفت سال تدریس کردند. من این توفیق را پیدا کردم که همه دوره را از ابتدا تا انتها بگذرانم و قسمت عمده مباحث ایشان را به صورت تقریرات بنویسم. در همین دوره بود که آقای سبحانی تقریرات اصول امام را نوشتند. این نوشته پس از ملاحظه حضرت امام(ره) و انجام اصلاحاتی در آن، به عنوان کتاب «تهذیب الاصول» منتشر شد» (همان، ص ۱۷۲).

امام برای تشویق شاگردان به آنان احترام می‌کرد و در مقابل شاگردان بلند می‌شد و یا اسمشان را با احترام می‌برد و در مقابل دیگران از آنان تعریف می‌کرد (همان، ص ۱۴) یکی دیگر از راه‌های تشویق شاگردان دادن انعام به آنان بود. اخلاق و برخورد امام خمینی(ره) نسبت به طلبه‌ها را باید «مشوق الطلبة» نامید و این از ویژگی‌های ایشان بود. دادن شهریه به طور مساوی به همه شاگردان از جمله ایرانی و غیر ایرانی یکی دیگر از راه‌هایی بود که امام برای تشویق شاگردان از آن استفاده می‌کرد و با از میان برداشتن تبعیض در شهریه ملیتها سبب می‌شد که طلبه‌ها به طور جدی درس بخوانند.

امام برای علاقه‌مندی و تربیت بهتر شاگردان علاوه بر تشویق از روش‌های تنبیهی هم استفاده می‌کرد و در مواردی برخوردهای عتاب‌آمیز و خشن را لازم می‌شمرد. یکی

از روش‌های تنبیهی امام تذکر لفظی بود. ایشان در جایی که شاگردی بدون دلیل منطقی بر اشکال خود پافشاری می‌کرد، عصبانی می‌شد و به فرد تذکر می‌داد که مانند بقیه شاگردان برود و بیشتر مطالعه کند. روش دیگر امام برای تنبیه شاگردان این بود که پول سهم امام را به او نمی‌داد. در واقع روش‌های تنبیهی امام به مانند روش‌های تشویقی‌اش بسیار شیرین و دلچسب بوده و کسانی که مورد تنبیه ایشان واقع می‌شدند در بیشتر مواقع بر خود مباحثات می‌کردند که مورد توجه امام قرار گرفته‌اند. (همان، ص ۳۵).

کسانی که سال‌ها در درس امام شرکت کرده بودند و مطابق میل امام تربیت شده بودند از شمار افراد برجسته‌ای به شمار می‌آمدند که پس از گذشت سال‌ها که امام به نجف رفت و شاگردان قمی ایشان از ایشان محروم ماندند، همواره جزو بهترین شاگردان ایشان بودند. تا جایی که امام زمانی که در نجف بود راجع به آنها فرمود: «آنها به مقاماتی رسیده‌اند که وقتی با هم بحث کنند دیگر احتیاجی به من ندارند» (وجدانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۱۱).

ج) امام خمینی (ره) و تربیت سیاسی شاگردان

امام خمینی (ره) فردی نبود که فقط به دنبال تحصیل علم باشد و به مسائل دیگر از قبیل سیاست توجهی نداشته باشد. ایشان معتقد بود که باید جوانان را از همان دوران جوانی با این مسائل آشنا کرد. ایشان می‌فرماید: «آقایان که بچه‌ها را تربیت می‌کنند، مسائل سیاسی روز را هم به آنها تعلیم بکنند. یک بچه‌ای که از یک مدرسه بیرون می‌آید، باید مسائل دینی‌اش را بداند. مسائل نماز و روزه‌اش را بداند. هم تربیت‌های علمی بشود... و هم تربیت سیاسی» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۲۰۳)

امام خمینی (ره) بر این بعد از کارکردهای تربیتی، تأکید جدی داشته و بارها از اهمیت آن، سخن گفته است. بخشی که نباید به غفلت سپرده شده و یا کم‌رنگ گردد. بطور کلی در پرورش سیاسی، بر سه عنصر اصلی تأکید می‌شود: ۱. شناخت: شخص دربارۀ نظام سیاسی چه می‌داند و چه اعتقادی دارد؟ ۲. احساس: شخص چه احساسی نسبت به نظام دارد؟ (شامل وظیفه‌شناسی، وفاداری، حس تعهدات شهروندی، و...); ۳. حس شایستگی: نقش شخص در نظام سیاسی چیست؟ و چه می‌تواند باشد؟ (علاقه‌بند، ۱۳۷۲، ص ۷۴). امام خمینی (ره) در ابعاد مختلف نکات یاد شده، دیدگاه‌های خویش را تبیین کرده و از چگونگی پرورش سیاسی در هر بعد، سخن گفته است.

الف) شناخت سیاسی: امام، در تکمیل معرفت و شناخت سیاسی نسل معاصر، سهم عمده‌ای داشت و گونه‌ای خاص از دانش سیاسی را در جان آموزش‌جویان کشور - و بطور اعم نسل معاصر - آفرید. ب) احساس سیاسی: امام خمینی(ره) در پرورش احساس سیاسی جامعه به ۱. احساس لزوم حفظ نظام؛ ۲. روحیه اعتماد به نفس و استقلال فرهنگی؛ ۳. احساس عزت و اقتدار؛ ۴. فرهنگ استقامت و شهادت تأکید داشت و معتقد بود که پرورش این نکات از مهم‌ترین وظایف نظام آموزش و پرورش است. ج) حس شایستگی سیاسی: امام خمینی(ره)، در راستای توضیح و تعیین نکته فوق، معتقد بود؛ اولاً، عمل سیاسی، تکلیف شرعی و دینی است. امام، بارها از پیوند تفکیک‌ناپذیر دین و سیاست سخن گفته و جدایی دین و سیاست را توطئه‌ای استعماری و خانه‌برانداز تلقی کرده است. ثانیاً، مسئولیت‌پذیری سیاسی را وظیفه و تکلیف دانسته است و گریز از مسئولیت را نکوهش کرده است. ثالثاً، فعالیت سیاسی را در انحصار قشر و طبقه خاصی نمی‌داند. از جمله تأکیدات امام لزوم دخالت سیاسی نسل تحصیل‌کرده در مسائل سیاسی - اجتماعی است (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸، ۲۴۵-۲۴۶).

امام خمینی(ره) تربیت سیاسی جوانان را در وهله اول به عهده خانواده و سپس آموزش و پرورش می‌گذارد. ایشان نقش رسانه‌های گروهی و مطبوعات را نیز در این زمینه بسیار مهم می‌داند. ایشان معتقد بود که یادگیری علوم اسلامی به تنهایی کافی نیست و باید احکام و قوانین اسلام در متن جامعه پیاده شود و اجرای این احکام اسلامی در جامعه ای که سردمداران بویی از اسلام نبرده‌اند و اسلام را فقط در ادای نماز و روزه می‌دانند، قابل پیاده شدن نیست. از این رو، در کنار تربیت اخلاقی و علمی شاگردان خود، به تربیت و آموزش سیاسی آنها نیز می‌پرداخت.

اهمیت و توجه به مسائل سیاسی کشور و آگاهی‌رسانی امام به شاگردانش تا این حد برای ایشان مهم بود که به خاطر آن امام تنی چند از بهترین شاگردان و چه بسا بهترین عالمان جهان اسلام را قربانی کرد. بعضی از شاگردان امام نیز فقط در کلاس درس و بحث امام شرکت نمی‌کردند. اینان کسانی بودند که نگرانی‌هایی در رابطه با وضع اسلام و جامعه اسلامی داشتند. یکی از شاگردان امام در این باره می‌گوید: «درس امام در حوزه علمیه قم آن زمان که ما تحصیل می‌کردیم، دو تیپ شاگرد داشت؛ یک تیپ

کسانی بودند که می‌خواستند به طور جدی درس بخوانند، تیپ دیگر کسانی بودند که هم به خاطر علم و هم به خاطر ویژگی‌های دیگر امام، یعنی ویژگی‌های فکری، اخلاقی، انقلابی و دیدگاه‌های روشن ایشان در مسائل، در درس ایشان حاضر می‌شدند» (فراهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

در واقع امام خمینی (ره) لزوم تربیت و تعلیم سیاسی را از مدرسه و دوران جوانی انسان ذکر می‌کند و همواره آشنا نمودن فرد را از اوضاع سیاسی کشورش از مهمترین وظایف معلم می‌داند. ایشان خود با تربیت شاگردانش در حوزه سیاسی دستاوردهای بزرگی در این انقلاب آفرید و آموزه‌های خود را در دو حوزه علم و عمل به همگان نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه مؤلفه‌های اخلاق علمی و شاگردپروری در سیره علمی امام خمینی (ره) ابتدا به شناخت اهمیت تعلیم و تربیت و تأثیر آن در زندگی و سرنوشت انسان و جامعه انسانی پرداخته شد و روشن شد که امام همواره بر سیره و روش اسلامی تأکید داشته و آراء و نظرات ایشان حول این مکتب اصیل انسان‌ساز شکل گرفته است.

امام خمینی (ره) در زمینه تعلیم و آموزش انسان، ابتدا بر بعد خودسازی و تهذیب نفس اشاره دارد. ایشان در تمام سال‌های تدریس، با رفتار بی‌نظیری که داشت الگو و نمونه ممتازی برای شاگردان خود بود. ایشان در زمینه ادب و تواضع علمی با آنکه دارای ابهت و وقار خاصی بود، با نهایت فروتنی با افراد برخورد می‌کرد. به طوری که موقعیت‌های علمی و سیاسی ایشان نتوانست ذره‌ای از این تواضع بکاهد. از ویژگی‌های پسندیده اخلاق علمی امام نظم ایشان است که رعایت آن را چه در زمان تحصیل و چه هنگام تدریس، می‌توان به زیباترین وجه مشاهده کرد. امام همواره شاگردان خود را به داشتن این خصیصه ارزشمند در زندگی سفارش می‌نمود.

امام علاوه بر داشتن خصلت‌های پسندیده انسانی، دارای مهارت و تسلط بالایی در امر آموزش و تدریس بود. ایشان در مقایسه با دیگران از تفکر عمیقی برخوردار بود و دارای هوش و ذکاوت و دقت نظر بالایی بود. امام ساعات زیادی را صرف مطالعه و تحقیق و پژوهش می‌کرد و قبل از شروع درس با احاطه کامل بر مبحث مورد نظر وارد

آن می‌شد. ایشان دارای صفت خوش‌بینی و شیوایی در کلام نیز بود و تدریس ساده و روان مباحث باعث استفاده کثیر اهل علم از درس ایشان می‌شد. در کنار این احاطه و تسلط بالای علمی، امام خمینی(ره) معمولاً به خاطر روحیه تحقیق و تفکری که داشت در خصوص علوم مختلف مطالب تازه‌ای ارائه می‌کرد و به واسطه این عمل نوآوری‌های علمی زیادی از ایشان به یادگار مانده است.

ایشان علاوه بر تدریس، به پرورش اخلاقی و سیاسی شاگردان خود هم توجه داشت و شاگردانش از تمام حرکات و برخوردهای ایشان در کلاس، درس اخلاق می‌گرفتند. مهربانی، خویش‌داری و حفظ شخصیت شاگردان از جمله مؤلفه‌های اخلاق علمی امام بود و این امر در کنار پرورش علمی بر زیبایی و محبوبیت کلاس ایشان می‌افزود. امام در کنار پرورش اخلاقی به پرورش سیاسی شاگردان خود نیز اهمیت می‌داد. در مجموع امام خمینی(ره) با دارا بودن ویژگی‌های کم‌نظیر تربیتی و آموزشی، شاگردان نمونه‌ای را تحویل جامعه انسانی داد و استفاده و بهره‌برداری از این شیوه‌ها و روش‌های عالی تربیتی می‌تواند نسل امروز را در هر چه بهتر پروراندن نسل آینده کمک و یاری بنماید.

پیشنهادها

الف) پیشنهادهای اجرایی

- لزوم توجه ویژه به اندیشه‌های تربیتی امام خمینی(ره)، در اسناد بالا دستی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران؛
- استفاده از روش‌های تربیتی امام خمینی(ره) در برنامه‌های تربیت معلم به خصوص در جذب و آموزش مربیان در سطوح مختلف آموزش و پرورش و دانشگاه؛
- نهادینه کردن اندیشه‌های تربیتی امام خمینی(ره) در موضوع روش‌های تربیتی و شاگردپروری از طریق تدوین کتابچه‌های مربوط و ارسال آن برای معلمان و مربیان در سطوح مختلف آموزشی؛
- آموزش روش‌های تربیتی مورد تأکید امام خمینی(ره) به دانش‌آموزان از طریق فنون ویژه مانند داستان‌سرایی و قصه‌گویی برای کودکان؛
- ترویج روش‌های تربیت و شاگردپروری امام خمینی(ره) در سطح جامعه از طریق رسانه‌های گروهی به ویژه برنامه‌های صدا و سیما.

ب) پیشنهادهای پژوهشی

- انجام طرح‌های تحقیقاتی و نگارش پایان‌نامه و رساله‌های تحصیلی به شکل تخصصی و عمیق درباره هر کدام از مؤلفه‌های اخلاق علمی و شاگرد پروری امام خمینی (ره)؛

- راه‌اندازی و انتشار نشریات علمی تخصصی و پیش‌بینی و تدوین دروس دانشگاهی درباره شناخت سیره، اندیشه‌ها و آثار تربیتی امام خمینی (ره)؛

- برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی ملی و بین‌المللی درباره سیره آموزشی و علمی امام خمینی به عنوان اسوه و الگو.

منابع

- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۱)، *تعزیرات فلسفی امام خمینی(ره)*، مجموعه چند جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امامی، جواد (۱۳۸۱)، *خاطرات آیت الله مسعودی خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اولیخ، رابرت، (۱۳۸۷). *مربیان بزرگ*، ترجمه علی شریعتمداری، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- بصیرت منش، حمید (۱۳۷۸)، *صحیفه دل*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- بی نا (۱۳۷۳). «*مناهج الوصول الی علم الاصول*»، (اثری تازه از امام خمینی(ره) در علم اصول)، مجله حضور. ش ۸.
- حجتی، محمد باقر (۱۳۶۹)، *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*، ترجمه گزارش گونه کتاب «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خاتم یزدی، عباس (۱۳۸۱)، *خاطرات آیت الله خاتم یزدی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خمینی، احمد (۱۳۷۵)، *دلیل آفتاب*، خاطرات حاج سید احمد خمینی، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، مجموعه رهنمودهای امام خمینی(ره)، ۲۲ ج، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۶۸)، *چهل حدیث*، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۸۶)، *آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی(ره)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۸۳)، *وصیتنامه امام*، (صحیفه انقلاب) با توضیحات و ۲۱۸ پرسش و پاسخ ویژه دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، با تدوین علیرضا اسماعیلی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).

- رجایی، غلامعلی (۱۳۸۴)، *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)*، ج ۵، چ ۵، تهران: نشر عروج،
- رحیمیان، محمد حسن (۱۳۸۲)، *حدیث رویش (خاطرات و یادداشت‌های محمدحسن رحیمیان)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ستوده، امیررضا (۱۳۸۰)، *پا به پای آفتاب* (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی (ره))، ج ۳ و ۴، تهران: نشر پنجره. جلد چهارم.
- ستوده، امیررضا؛ برادری، احمد (۱۳۷۹) *جلوه‌های معلمی امام خمینی (ره)*؛ تهران: نشر پنجره.
- شاتو، ژان (۱۳۸۶)، *مربیان بزرگ*، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۷۲)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، چ ۱۰، تهران: انتشارات بعثت.
- فراهانی، مجتبی (۱۳۸۷)، *سلسله موی دوست*، (خاطرات دوران تدریس امام خمینی (ره) به نقل از شاگردان و دوستان و منسوبین)، تهران: چاپ و نشر عروج.
- قلی‌زاده علیار، مصطفی (۱۳۸۷)، *مردی شبیه خود*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۹) *فرازهای فروزان*، (پژوهشی در سیره اخلاقی، تربیتی و عرفانی حضرت امام خمینی (ره))، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
- مروی، ابوالفضل (۱۳۷۴)، «گفتگو»، [مصاحبه با یحیی بونو]، انقلاب اسلامی پرتوی از افکار عرفانی و فلسفی امام خمینی، مجله حضور، ش ۱۲، ص ۶۸-۷۸.
- میرزاحمدی، محمد حسن (۱۳۸۶)، *فارابی و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات یسپرون.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۴)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات طهوری.
- وجدانی، مصطفی (۱۳۷۴)، *سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره)*، ج ۶، تهران: انتشارات آفتاب.